

Evolution of Power Elements in the Network's Age

**Hassan Khojasteh
Bagherzadeh**  *

Radio group, production faculty, IRIB
University, Tehran, Iran

**Komeil Khojasteh
Bagherzadeh** 

PhD student in Political Science, Allameh
Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

The new world is being networked by the Internet. In this networked world, what seems new is the networked society and its networked architecture, in which interconnected nodes with different connections within the network are located and have different social effects on communities. Some see content as a very important element in shaping future power. But a study of the events and behaviors that have arisen so far by descriptive-analytical methods shows, the elements of power are changing from its traditional concept and new empowering elements are emerging in relation to communication technologies. This has even become a challenge to the future governance of governments. Technology, network, and information are the new elements of power. These three elements generally emerge in the four phenomena of the Internet, device, platform, and content-service, and exert power through them. The age of communication technologies is the age of the network in which the network actor is created by producing transcendental and timeless relationships on the Internet. An actor who does not see himself under the control of the national government because his relations and content are not under his control and the government becomes only a node, albeit an important one, of a particular network. Power, on the other hand, respectively, is distributed vertically to technology owners, platform owners, and content-service producers.


Keywords: Power, Network Age, Platform, Content-Service, Virtual Governance.

* Corresponding Author: Khojasteh-h@iribu.ac.ir

How to Cite: Khojasteh Bagherzadeh, H., Khojasteh Bagherzadeh, K. (2022). Evolution of Power Elements in the Network's Age, Journal of New Media Studies, 7(28), 169-194.

تحول مؤلفه‌های قدرت در عصر شبکه

حسن خجسته باقرزاده *  هیأت علمی دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران.

کمیل خجسته باقرزاده  دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

چکیده

جهان جدید به‌وسیله‌ی اینترنت در حال شبکه‌ای شدن است. در این دنیای شبکه‌شده، آنچه جدید می‌نماید، جامعه‌ی شبکه‌ای و معماری شبکه‌سازی شده‌ی آن است که در آن گره‌های به‌هم‌پیوسته با ارتباطات مختلف درون شبکه قرار دارند و اثرات اجتماعی مختلفی را بر جوامع می‌گذارند. برخی محتوا را عنصر بسیار مهمی در شکل‌دادن به قدرت آینده می‌بینند؛ اما بررسی رخدادهای و رفتارهایی که تاکنون به‌وجود آمده نشان می‌دهد که قدرت از مفهوم سنتی خود در حال تغییر است و عناصر قدرت‌ساز جدیدی ناظر به فناوری‌های ارتباطی در حال شکل‌گیری هستند. آن‌چنان‌که این موضوع حتی چالش حکمرانی آینده‌ی دولت‌ها شده است. در این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است و بر اساس مطالعه اسناد و مدارک نتایج حاصل نشان می‌دهد: ۱- فناوری ۲- شبکه ۳- اطلاعات مؤلفه‌های جدید قدرت‌ساز هستند. این سه عنصر به‌صورت کلی در ۴ پدیده اینترنت، دستگاه، پلتفرم و محتوا-خدمت بروز و ظهور می‌کنند و از طریق آن‌ها اعمال قدرت می‌کنند. عصر فناوری‌های ارتباطی، عصر شبکه است که در آن با ایجاد روابط فرامکانی و بی‌زمانی بر بستر اینترنت، کنشگر شبکه خلق می‌شود. کنشگری که خود را در قید حاکمیت دولت ملی نمی‌بیند چراکه روابط و محتوایش در کنترل او نیست و دولت تنها به یک گره هرچند مهم از شبکه خاص تبدیل می‌شود. از سوی دیگر قدرت به‌صورت عمودی به‌ترتیب از دارندگان فناوری، صاحبان پلتفرم و تولیدکنندگان محتوا-خدمت توزیع می‌شود.

کلیدواژه‌ها: قدرت، عصر شبکه، پلتفرم، محتوا-خدمت، حکمرانی مجازی.

مقدمه

در آستانه نقطه عطف انقلاب در فناوری قرار داریم و شیوه زندگی و کار به شکل اساسی در حال دگرگون شدن است. این انقلاب جوشان مبتنی بر اینترنت تلفن همراه، سنسورهای (حساسگر) خیلی قوی، ارزان و هوش مصنوعی و ماشین قابل یادگیری است.

میلیاردها انسان از طریق موبایل و دستگاه‌های همراه به همدیگر متصل هستند. قدرت پردازش بی‌سابقه و دسترسی به امکانات ذخیره و دانش، همگرایی‌های گیج‌کننده و پیشرفت‌های غیرمنتظره فناوری‌های نوظهور با محوریت هوش مصنوعی، ربات، اینترنت اشیا، چاپگرهای سه‌بعدی، واقعیت افزوده و واقعیت مجازی، زنجیره بلوکی در حال وقوع است. با وجود این که عدم یقین و قطعیت در مورد توسعه و تطبیق این فناوری‌های نوظهور وجود دارد. (شواب، ۱۵، ۱۳۹۶) اما به‌هرروی جهان جدید به‌وسیله‌ی اینترنت در حال شبکه‌ای شدن است. در این دنیای شبکه‌شده، آنچه جدید می‌نماید، جامعه‌ی شبکه‌ای و معماری شبکه‌سازی شده‌ی آن است. این جهان شبکه‌شده، تشکیل شده از مجموعه‌ای از گره‌های به هم پیوسته‌ای است که دارای ارتباطات مختلف درون شبکه هستند و دگرگونی‌های اجتماعی مختلفی را بر جوامع می‌گذارند و در حال تغییر روش زندگی هستند.

اما این انقلاب تکنولوژیکی و تغییر روش زندگی، چالش‌های استراتژیکی برای دولت‌ها دارد که باید خود را آماده‌ی روبه‌رو شدن با آن بکنند. فضای مجازی مؤلفه‌ها و عناصر جدیدی را وارد عرصه حکمرانی کرده است که موجب شده عناصر سازنده قدرت دستخوش تغییر شود و حتی تولید محتوا و خدمت در این دوره تحت تأثیر آن قرار بگیرند. دولت‌ها در مقابله با این فناوری جدید و برای حفظ استقلال خود با چالش از دست دادن قدرت روبرو شده‌اند. هدف اصلی این مقاله آن است که این چالش را بررسی کند و مؤلفه‌های سازنده قدرت جدید در عصر شبکه را روشن سازد.

۱. مبانی نظری

مفهوم قدرت

قدرت مفهومی است که دائماً در حال تغییر و تحول است و مبتنی بر واقعیات خود را می‌سازد. «واقعیت نخستین و مهمی که باید درباره‌ی قدرت دانست این است که نه در زبان روزمره و نه در علم سیاست توافقی درباره‌ی دانش‌واژه‌ها و تعریف‌های قدرت وجود ندارد. واژه‌ی قدرت گاهی با اقتدار، نفوذ، زور، اجبار یا ترغیب مترادف دانسته می‌شود. (دال، ۱۳۷۴، ۲۳)

ماکس وبر قدرت را امکان تحمیل اراده یک فرد بر رفتار دیگران تعریف می‌کند. طبق این تعریف، فرد یا گروهی از افراد، اراده یا مقاصد خود را بر دیگران و از جمله کسانی که ناراضی یا مخالف‌اند تحمیل می‌کنند. هراندازه توانایی این اراده و حصول به مقصود موردنظر بیشتر باشد، قدرت هم بیشتر است. (گالبرایت، ۱۳۷۱، ۸۰) از نظر ماکس وبر، سه منبع برای قدرت وجود دارد که سه نوع قدرت را به وجود می‌آورد: سنتی، کاریزماتیک، عقلانی و حقوقی. برخلاف وبر از نظر کارل مارکس قدرت مربوط به طبقه اجتماعی و روابط تولیدی است. از نظر او قدرت در روابط بین افراد نیست، بلکه در سلطه و تبعیت از طبقات اجتماعی مبتنی بر روابط تولید است.

به‌زعم پارسونز، قدرت موضوعی مربوط به اجبار و سلطه نیست بلکه قدرت ناشی از ظرفیت‌های سیستم اجتماعی در هماهنگی فعالیت‌های انسانی و منابع برای رسیدن به اهداف است. (Ashiey Crossman, 2019).

مفهوم قدرت در دوره سنتی خود با تکیه بر «عناصر ملی» تعریف می‌شد و میزان قدرت کشورها را برحسب عواملی چون جمعیت، سرزمین، توان اقتصادی، نیروی نظامی و قدرت دریایی محاسبه می‌کرد. توجه بیش‌ازاندازه این برداشت بر نیروی نظامی، عوامل عینی و کمی قدرت سبب شد، مطالعه قدرت در تئوری‌های سنتی و حتی در برخی مطالعات معاصر، به‌عنوان مطالعه توانایی برای شروع جنگ تعریف بشود. این درک

محدود سبب می‌شد تا دیگر ابعاد قدرت نادیده گرفته‌شده یا به آن اهمیت کمتری داده شود. (وحیدی، ۱۳۸۶، ۶۸۶)

بر اساس آنچه بیان شد و در شکل یک هم آمده است؛ در برداشت سنتی از قدرت، صرفاً بر قدرت سخت به معنای توان اجبار با توسل به اقدامات، ابزارها و تصمیمات آشکار و مستقیم تأکید می‌گردد.



شکل ۱. مؤلفه‌های قدرت سنتی

اما همان‌طور که ذکر شد، مفهوم قدرت دائماً مبتنی بر واقعیات تغییر می‌کند و یکی از عناصر مؤثر بر این تغییر، تحولات فناورانه است. در عصر جدید انقلاب جوشان فناوری اطلاعات موجب تحول در نشانگرهای قدرت شده است. این تحول تکنولوژیکی موجب شده است تا عصر جدید مبتنی بر تکنولوژی ارتباطی را عصر اطلاعات بنامند. (نای، ۱۳،

یکی از مسائلی که صاحبان قدرت در این عصر با آن روبه‌رو هستند، این است که بتوانند مؤلفه‌های قدرت‌ساز آینده را در اختیار بگیرند.

ارتباطات جدید و تحول عناصر قدرت‌ساز

ظرفیت‌های فوق‌العاده فناوری ارتباطات، فرصت‌های جدیدی را برای تأثیرگذاری بر تحولات سیاسی ایجاد کرد. گردش سریع اطلاعات، از بین رفتن مرزهای جغرافیایی، بی‌زمانی و مکان‌شدن انتشار اطلاعات با سایبرنتیکی شدن گردش اطلاعات و محتواها، مؤلفه‌های مهم عصر جدید هستند. آن چیزی که در این عصر مهم است قدرت انتقال پیام از رسانه به مخاطب در هر کجا و در هر لحظه است. قدرتی که باعث می‌شود فرد تحت تأثیر آن دست به کنش بزند.

درواقع اگر در گذشته و مبتنی بر تعریف از قدرت سنتی، منابع زاینده قدرت ریشه در مستعمرات، شمش‌های طلا، ناوگان دریایی و... داشت؛ در عصر اطلاعات اما برنده کشوری (یا غیرکشورهایی) با بهترین عملکرد و گفتمان است. (نای، ۱۴، ۱۳۹۲) نیروی گفتمان توانسته چنان تغییراتی ایجاد کند که حتی موجب پیدایش الگوی جدیدی از جنبش‌های اجتماعی و شاید اشکال جدیدی از تغییرات اجتماعی در عصر حاضر شده باشد. (کاستلز، ۳، ۹۳)

ارتباطات مبتنی بر فناوری اینترنت، افراد را از قید سرزمین‌های خاص رها کرده و زمان و مکان را پشت سر گذاشته و منسوخ کرده است (آکسفورد، ۱۳۸۶، ۲۸۹) تا عصر جدید مبتنی بر فناوری ارتباطی را عصر اطلاعات بنامند. (نای، ۱۳، ۱۳۹۲) و برخی هم آن را عصر شبکه می‌نامند. (ذهارنا، ۱۳۹۳) ارتباطات در چارچوب جدید فناوری جدید، چند مجرایی و چندوجهی شده است. چندوجهی بودن آن به فناوری‌های متعدد ارتباطی و دستگاه‌های ارتباطی نسبت داده شده است. (کاستلز؛ ۱۳۹۳؛ ۲۸۰)

در این صورت قدرت یک کشور، تنها تا زمانی دارایی ارزشمندی است که بتواند از دیگران اطاعت و پاسخ مثبت بگیرد؛ بنابراین توجه به قابلیت‌ها و توان مادی یک کشور، شرط لازم هست ولی کافی نیست. آنچه به همین اندازه اهمیت دارد، تبدیل این سرمایه و

منابع در فرآیندها و نفوذ و تأثیر حقیقی آن بر نتایج عملکردهاست. به همین دلیل اکتفا به شاخص‌های سنتی قدرت، موجب می‌شود که پیش‌بینی‌ها (درباره عملکردها) غلط شوند. (محسنی علی، ۱۳۹۷، ۱۰۶)

در گذشته سیاستمداران و رهبران، قدرت یک کشور را در چارچوب مؤلفه‌هایی چون میزان جمعیت، وسعت سرزمین، منابع طبیعی، وضعیت و ظرفیت اقتصاد، ثبات سیاسی، حجم نیروها و سخت‌افزارهای نظامی و نیروی دریایی تعریف می‌کردند. با این وجود در عصر حاضر منابع قدرت عموماً در حال تغییر و تحول‌اند. به گونه‌ای که امروز بر جنبه‌های سخت قدرت به‌عنوان منبع، تأکید کمتری صورت می‌گیرد. در این راستا فناوری‌های آموزشی، اطلاعاتی و ارتباطی، رشد اقتصادی اهمیت بیشتری یافته‌اند و درعین حال از اهمیت جغرافیا، جمعیت و مواد خام کاسته شده است. (شارپ، ۶۴، ۱۳۸۹)

اگر اهمیت جغرافیا به یک معنا کاهش یافته است از سوی دیگر در این تغییرات مبتنی بر انقلاب اطلاعات و ارتباطات، مؤلفه‌ی جمعیت هم جای خود را به شبکه داده است. شبکه‌ها همان روابط هستند و گونه‌های متفاوت شبکه‌ها، شکل‌های متفاوتی از قدرت را ایجاد می‌کنند. در واقع فناوری‌های مبتنی بر اینترنت، سبب ایجاد جامعه شبکه‌ای جهانی شده است. (کاستلز، ۱۳۹۳، ۸۳) آن‌ها ساختارهای اجتماعی را متحول کرده‌اند و روابط را مبتنی بر شبکه کرده‌اند. از سوی دیگر هم روابط در این جامعه فراتر از مرزهای نهادی و حاکمیتی و از طریق شبکه‌های رایانه‌ای مرتبط از راه دور شده است. ابزارهای ارتباطاتی جدید که بر بستر اینترنت فعالیت می‌کنند به دلیل ذات شبکه‌ایشان و اینکه این امکان را فراهم می‌سازند تا با مردم به صورت مستقیم و فارغ از واسطه‌های رسانه‌ای پیشین - که تا پیش از این بودند - ارتباط‌گیری مستقیمی داشته باشند و به تعبیر کاستلز چهار نوع قدرت با محوریت شبکه در حال شکل‌گیری است.

۱- قدرت شبکه‌بندی^۱: مربوط به قدرت کنشگران و سازمان‌های درگیر در شبکه‌هایی است که هسته جامعه شبکه‌ای جهانی را تشکیل داده‌اند. این شکل قدرت بر اساس سیاست جذب و دفع عمل می‌کند یعنی چه کسی و چه چیزی وارد شبکه شود.

۲- قدرت شبکه^۱: در واقع قدرت شبکه، قدرت معیارهای شبکه بر سایر اجزای آن است. هرچند این قدرت در نهایت منافع هریک از اجزای مجموعه کنشگران اجتماعی را که منبع شکل‌گیری شبکه و تثبیت‌کننده این معیارها یا پروتکل‌ها هستند، مورد حمایت و همیاری خود قرار می‌دهد.

۳- قدرت شبکه‌ای^۲: هر کس در شبکه مسلط است، صاحب قدرت است. شاید طرز کار شبکه‌های مسلط این معنا را بهتر نشان دهد. در سیستم سرمایه‌داری جهانی، بازارهای جهانی حرف آخر را می‌زنند و صندوق بین‌المللی پول یا آژانس‌های رتبه‌بندی مالی مفسران معتبر هستند.

۴- قدرت شبکه‌سازی^۳: اساسی‌ترین شکل قدرت از منطق شبکه‌سازی تبعیت می‌کند. در دنیای شبکه‌ها، توانایی به کارگرفتن کنترل بر دیگران به دو سازوکار اصلی توانایی ساخت شبکه، توانایی اتصال و اطمینان از همکاری شبکه‌های مختلف از طریق به اشتراک‌سپاری اهداف مشترک و ادغام منابع، آن‌هم تا زمانی که رقابت با سایر شبکه‌ها را به وسیله تنظیم همکاری راهبردی از خود دفع کند.

عنصر جدید دیگر در کنار منابع طبیعی در عصر اطلاعات، خود اطلاعات است. در واقع امروز کنترل اطلاعات جاری در شبکه‌ها یک منبع مهم قدرت به حساب می‌آید. در واقع دانش، قدرت است و منبع مهمی برای اعمال قدرت به شمار می‌روند. از این‌رو مهم است که بدانیم امروزه فناوری، فرآیندهای اجتماعی و سیاسی را تغییر داده و موجب سرعت و دگرگونی در ماهیت تعامل و ارتباطات و شتاب تغییرات نهادی در عرصه بین‌المللی در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شده است. بنابراین در عصر جهانی‌شدن، موفقیت در مدیریت این شبکه‌های عمومی و خصوصی، به استعداد، هوش محیطی و محیطی و اشکال نوین قدرت وابسته است. (نای، ۱۳۸۷: ۳۱۵-۳۳۰)

در حقیقت مانند شکل دوم می‌توان تحول عناصر قدرت یا جایگزین‌های آن را این‌چنین گفت: قدرت ناشی از اهمیت جمعیت و کثرت و فراوانی آن به شبکه و قدرت

1. Network Power

2. Networked Power

3. Network- Making Power

ناشی از آن تبدیل شده و بجای وسعت سرزمینی، فناوری‌های ارتباطی نقش عنصر و عامل قدرت ساز را پیدا کرده و داده، اطلاعات جایگزین اهمیت منابع طبیعی در تولید قدرت شده است و جایگاه فناوری بیشتر از قدرت سخت نمود پیدا کرده است.



شکل ۲. تحول عناصر قدرت ساز

اعمال قدرت مبتنی بر مؤلفه‌های جدید قدرت

همان‌طور که عناصر قدرت ساز در عصر جدید در حال تغییر هستند؛ به همان نسبت هم صاحبان قدرت در حال تغییر هستند. تا پیش از ظهور این عصر، دولت‌ها و قدرت‌ها به دلیل داشتن انحصاری عناصر قدرت، قدرت حاکم بودند اما امروز و با ظهور فناوری‌های ارتباطی جدید، آن‌ها انحصار این قدرت فائقه را از دست‌رفته می‌بینند. از یک سو به تعبیر نای دولت‌ها ناگزیر از قبول این واقعیت هستند که در عصر شبکه، تولید محتوا و ارتباط دو مؤلفه مهم قدرت ساز در این عصر هستند و دوره‌ی قدرت‌های صرفاً سخت پایان یافته است.

(نای ۱۳۹۲:۱۴۴)

از سوی دیگر ظهور این انقلاب فناوری شکل جدیدی از روابط اجتماعی را ایجاد کرده است. روابط اجتماعی که موجب شکل‌گیری جوامع شبکه‌ای شده‌اند. شبکه‌هایی که مرزهای ثابتی ندارند. پایان‌ناپذیر و چند لبه هستند و گسترش یا تجمیعشان به میزان

سازگاری یا رقابت میان علایق و ارزش‌های برنامه‌ریزی‌شده‌شان بستگی دارد. الگوی تماس و ارتباط در این جامعه‌ی شبکه‌ای شده عبور از روابط سلسله‌مراتبی و پیگیری عمل جمعی در قالب "شبکه‌ی افقی" است. اینترنت با فراهم ساختن فضایی برای هر نوع فعالیت -در هر فضا و مکان- ی اجازه می‌دهد تا افراد انعطاف‌پذیری و تحرک بیشتری از خود نشان دهند. به همین دلیل، با اشاعه ابزاری که مشارکت در فرایندهای تولید، ویرایش و توزیع اطلاعات و محتوا را مهیا ساخته‌اند، مصرف‌کنندگان در آن واحد، به آفریننده‌ای فعال و با استعداد تبدیل می‌شوند که در همکاری و به اشتراک‌گذاری چشم‌اندازهای جهانی که خودشان در آن زندگی می‌کنند توانمند می‌شوند. (کاستلز؛ ۱۳۹۳؛ ۲۸۳) تولید محتوا و رفتار در این محیط محدود به زمان و مکان نیست. از سوی دیگر مخاطب صرفاً گیرنده منفعل پیام نیست. بلکه تولیدکننده محتوا نیز به شمار می‌آید. به همین دلیل قدرت دولت که یکی از ابزارهای کنترلش بر محیط تحت امرش، جغرافیای حکمرانی‌اش بود کاهش می‌یابد. فناوری‌های ارتباطی جدید، شبکه را از مرکز کنترل و فرماندهی انحصاری بی‌نیاز می‌کند. به نحوی که واحدهای پیام می‌توانند مسیر خود را در طول شبکه پیدا کنند و در هر بخشی از شبکه قابل تبدیل دوباره به پیامی منسجم باشند. کافی است شما تولیدکننده پیام باشید، شبکه آرام‌آرام دور شما را خواهد گرفت. درست برخلاف دوران برودکست‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای که قدرت تولید پیام در انحصار یک گروه خاص بود. (کاستلز؛ ۱۳۸۰، ۴۱۲ و ۴۰۸ و ۴۰۲)

در چنین شرایطی، دولت تنها به یک گره [هرچند مهم] از شبکه خاص تبدیل می‌شود. (کاستلز، ۷۰، ۱۳۸۰) و جامعه‌ی شبکه‌ای توانایی شبکه‌ها در معرفی کنشگران جدید و محتوای نو در فرایند سازمان‌دهی اجتماعی همراه با خودمختاری نسبی در تقابل با مراکز قدرت قرار گرفته است. (کاستلز، ۸۸، ۱۳۸۰) چنین محیطی را فضای خودمختاری می‌نامند.

در این شبکه ارسال‌کنندگان و دریافت‌کنندگان جریان چندسویه و متعاملی از پیام‌ها را به‌طور هم‌زمان تعیین می‌کنند. فرستندگان پیام، گیرندگان پیام هم هستند. به همین دلیل

موضوع جدیدی در ارتباطات پدید آمده که فرستنده-گیرنده را به منزله شکل اصلی کهکشان اینترنت تلقی می‌کند. اینترنت یکی را با یکی و یکی را با زیاد با روش‌های نوین مرتبط می‌کند و سبب حفظ ارتباط در عرض مکان و زمان می‌شود.

این شرایطی موجب دگرگونی جایگاه دولت و تضعیف حاکمیت دولت ملی شده^۱ و جوامع امروزی را با بحران پیچیده‌ی حاکمیت رودررو کرده است تا آنجا که جهان به سمت طغیان‌هایی علیه نظم مستقر پیش می‌رود.

قدرت در عصر شبکه	قدرت سنتی
تولیدکنندگان محتوا و سازندگان ارتباطات و کنترل‌کنندگان آنها اعمال‌کننده قدرت	دولت بزرگ‌ترین اعمال‌کننده قدرت
شبکه‌های فرازمان و فرامکان محدوده اعمال قدرت	جغرافیا محدوده اعمال قدرت
کنشگر شبکه مخاطب اعمال قدرت	جوامع ملی مخاطب اعمال قدرت

الگوی مفهومی

مؤلفه‌های قدرت‌ساز در عصر جدید مبتنی بر فناوری‌های ارتباطی بر اساس رویکرد کاستلز و نای به این صورت است که از یک سو با تحولات فناوری، نقش دولت به‌عنوان اعمال‌کننده قدرت در حال ضعیف‌شدن است و از سوی دیگر مؤلفه‌های جدیدی عناصر سازنده قدرت را شکل داده‌اند. لذا صورت‌بندی مفهوم قدرت در عصر جدید به این ترتیب است:

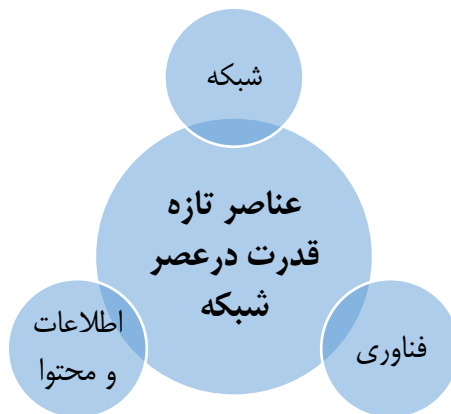
۱. تا پیش‌ازین، دولت بزرگ‌ترین اعمال‌کننده قدرت بود. با ظهور اینترنت و پیدایی عصر شبکه، افراد که در حاکمیت دولت‌ها قرار داشتند خود را رها از آن و پاسخگو به حاکمان جدیدی می‌یابند. عصر شبکه موجب ظهور جامعه‌ی شبکه‌ای شده است. در این جامعه‌ی جدید قدرت بازتعریف شده است و در آن قدرت بر مبنای کنترل فرایندهای اطلاعاتی و ارتباطاتی توسعه می‌یابد. (کاستلز، ۱۳۹۳، ۳۷) در واقع قدرت در اختیار کنترل‌گران و تولیدکنندگان محتوا و ارتباط هست. از سوی دیگر دولت‌ها ناگزیر از قبول

۱. پولادی کمال؛ عصر اطلاعات و پیدایش جامعه شبکه‌ای، کتاب ماه علوم اجتماعی، تیر و مرداد ۱۳۸۲

این واقعیت هستند که در عصر شبکه، تولید محتوا و ارتباط دو مؤلفه مهم قدرت‌ساز است و دوره‌ی قدرت‌های صرفاً سخت پایان یافته است. (نای ۱۳۹۲: ۱۴۴)

۲. مرز حاکمیتی، مرزهای جغرافیایی بود که به صورت عمده محدوده اعمال قدرت دولت‌ها بود. افراد روابط و رفتارشان به‌عنوان شهروند درون ساختار ملی کشورها تعریف می‌شد و آن‌ها را باید با دولت‌ها تنظیم می‌کردند؛ و در این عصر افراد با تبدیل شدن به کنشگران شبکه از قالب شهروندی خارج شده و روابط جدیدی را خلق می‌کنند. شبکه‌ها جهانی هستند و دولت‌ها محدودیت‌های قابل ملاحظه‌ای می‌یابند. آن‌ها درگیر شبکه‌بندی با سایر دولت‌ها و صاحبان قدرت در شبکه‌ها می‌شوند. (کاستلز، ۱۳۹۳، ۱۳۵)

۳. در حاکمیت دولت‌ها، جوامع ملی مخاطب اعمال قدرت بودند؛ اما در عصر شبکه، شهروندان و آحاد جامعه با بهره از اینترنت تبدیل به کنشگران شبکه می‌شوند. شبکه‌ای که محدود به فضا و زمان خاصی نیست. شبکه‌ای فرامکان و فرازمان است و در آن دولت‌ها و قدرت‌های سنتی هم تبدیل به یک کنشگر شبکه می‌شوند. آن‌ها هم گره‌ای از یک شبکه هستند که اگر قوی شوند به صورت عادی می‌توانند نقش یک سرشبکه‌ی قدرتمند را ایفا کنند به همین دلیل در این جامعه‌ی شبکه‌ای قدرت لزوماً در اختیار دولت‌ها نیست. بلکه قدرت در دست کسی است که شبکه را در اختیار دارد. شبکه‌ای که از ترکیب روابط و محتوا به وجود می‌آید و کنترل‌کنندگان این دو هستند که توانایی اداره این جامعه‌ی جدید را دارند.



شکل ۳. با تبدیل برخی عناصر قدرت سنتی به عناصر جدید، عناصر قدرت در عصر شبکه شکل می‌گیرند.

سابقه پژوهش

متأسفانه در موضوع عناصر قدرت در فضای مجازی کمتر کار پژوهشی صورت گرفته و غالباً از صورت‌بندی کاستلز و جوزف نای استفاده شده است و یا تحول مفهوم قدرت در ارتباطات و تحولات جدید مورد توجه قرار گرفته است، به‌طور نمونه: فوادی مریم، ۱۳۹۵، در مقاله‌ای با عنوان "جامعه شبکه‌ای و آینده قدرت در علوم اجتماعی" می‌نویسد آنچه کاستلز با عنوان جامعه شبکه‌ای مطرح می‌کند به‌عنوان واقعیت جدید تحول مفاهیم، گفتمان و قدرت در محیط اجتماعی محسوب می‌شود و پس از گیدنز علوم اجتماعی تحت تأثیر آرای نظریه‌پردازانی است که کنش خوشه‌ای را با مؤلفه‌های جدید فضای شبکه‌ای و حوزه مجازی پیوند داده‌اند. محمدرضا مرندی و زهرا عابدینی، ۱۳۹۱، در مقاله‌ای با عنوان "تحول مفهوم قدرت از سخت به نرم و کاربرد آن از سوی آمریکا" به شکست آمریکا در استفاده از قدرت سخت در برابر ایران، این کشور از قدرت نرم استفاده می‌کند. اسکندری، محمدحسین، ۱۳۸۱، در پژوهشی به کالبدشناسی مفهوم قدرت پرداخته است. او در لین مقاله سعی دارد تعابیر و تفاسیر قدرت در علوم اجتماعی و سیاسی را واکاوی کند و با توجه به آیات قرآنی نکاتی را درباره قدرت سیاسی متذکر شود. خلیلی پور، علی و

نورعلی وند، یاسر، ۱۳۹۱، در مقاله تهدیدات سایبری و تأثیر آن بر امنیت ملی، می‌نویسند این تهدیدات موجب پدیده‌ای به نام انتشار قدرت شده است که نه تنها موجب شده دولت‌های کوچک از ظرفیت بیشتری برای اعمال قدرت برخوردار شوند بلکه موجب ورود بازیگران جدیدی همچون شرکت‌ها، گروه‌های سازمان‌یافته و افراد به معادلات قدرت جهانی شده است.

روش‌شناسی

روش این تحقیق، توصیفی - تحلیلی است. در این روش که در علوم سیاسی بسیار رایج است و به دلیل میان‌رشته‌ای شدن بسیاری از تحقیقات به دیگر حوزه‌ها هم تسری یافته است. این روش برعکس تحقیقات تاریخی در مورد زمان حال به بررسی می‌پردازد و به توصیف و تفسیر شرایط و روابط موجود توجه دارد. در این روش محقق در مرحله نخست به توصیف و فهم وضعیت فعلی می‌پردازد و سپس به دسته‌بندی یا درجه‌بندی داده‌های حاصل از مشاهده، مصاحبه یا داده‌های کتابخانه‌ای پرداخته و در گام بعد پیشنهادهای خود را جهت بهبود و اصلاح و حل مسائل ارائه می‌کند. (اسپریگنز، ۱۳۷۰: ۴۷-۴۱) در تحقیقات توصیفی - تحلیلی، محقق برای ارائه پیشنهاد و راهکار نیاز به استدلال و تکیه‌گاه محکمی دارد. تحقیقات توصیفی گاهی به کشف قوانین و ارائه نظریه منتهی شود؛ این سخن بدان معناست که از طریق این گونه تحقیقات شناخت‌های کلی حاصل می‌شود. در این پژوهش، یافته‌ها بر اساس مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای در چارچوب روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌ها

مباحث نظری نشان داد که تغییرات عناصر قدرت‌ساز موجب شده تا سه‌گانه‌ی الف: فناوری ب: شبکه ج: اطلاعات و محتوا در میدان واقعیت با مظاهری خود را نشان بدهند.

الف: فناوری

الف. ظهور اینترنت

فناوری ارتباطی با ظهور اینترنت و افقی شدن روابط شکل جدیدی از جامعه را به‌عنوان جامعه‌ی شبکه‌ای شکل داد. زیرساخت و اینترنت نقطه‌ی آغاز شکل‌گیری جامعه‌ی شبکه‌ای هستند. اینترنت به‌عنوان اساس فناوری خود را به دستگاه‌های در اختیار مردم می‌رساند؛ و با اینترنتی کردن آن‌ها، مردم را وارد جامعه‌ی شبکه‌ای می‌کند.

اینترنت به‌عنوان آبر فناوری در سال ۱۹۸۳ م از امکان اختصاصی ارتش امریکا خارج و در اختیار همگان قرار گرفت. (حافظ‌نیا، ۱۳۹۳، ۵۸) این تکنولوژی هر شیئی که قابلیت اتصال به آن را داشته باشد به شیء دیگر وصل می‌کند و اساس و پایه‌ی جامعه‌ی شبکه‌ای را شکل می‌دهد. مؤلفه‌های سازنده این زیرساخت را می‌توان در این پنج عنصر یافت (حافظ‌نیا، ۱۳۹۳، ۶۰-۷۱):

۱. اینترنت که شامل شبکه محلی (LAN)، شبکه گسترده (WAN) و شبکه جهانی (WWW) است که شرکت‌های فراهم‌کننده خدمات اینترنت (ISP) و اپراتورهای همراه ترافیک مصرفی را به دولت‌ها، شرکت‌ها و مردم می‌رسانند.

۲. زیرساخت ارتباطی که شامل ابزارها و شبکه‌ای از خطوط مخابراتی و فیبر نوری که امکان حرکت و جابجایی اطلاعات و داده‌ها را برپایه حرکت الکترون‌ها و یا پرتوهای نوری و در قالب منطق دیجیتالی صفر و یک در شبکه اینترنت ممکن می‌سازد.

۳. زیرساخت اطلاعاتی که مدیریت و کاربری اطلاعات و داده‌ها را در شبکه اینترنت و در بین کاربران فراهم می‌کند.

۴. سرورهای بنیادی که شامل سیزده سرور اصلی است و به‌مثابه ستون فقرات شبکه اینترنت در جهان عمل می‌کند. این سرورها ابتدا در امریکا بودند و بعداً با اعتراض دیگر کشورهای شش سرور آن از امریکا خارج شده است.

۵. آدرس اینترنتی (IP) که این هم در اصل توسط شرکت ایکان در امریکا مدیریت می‌شود.

با بالا رفتن نفوذ اینترنت در زندگی مردم قدرت از نوع حکومتی به نوع غیرحکومتی و نهادهای مستقر تحت شبکه‌های بی‌قاعده منتقل می‌شود. (شواب، ۸۷، ۱۳۹۶) برخی گمان می‌کنند که اینترنت یک تکنولوژی خنثی است درحالی‌که اهمیت اینترنت از آن جهت است که اولاً سروهای اولیه و آیکان یعنی همان آدرس‌دهنده اصلی دنیای اینترنت متعلق به امریکاست. این موضوع چنان قدرتی را ایجاد کرده است برای آمریکایی‌ها که آن‌ها در دوره اوپاما لایحه امنیت سایبری، کلید قطع اینترنت^۱ را به رئیس‌جمهور آمریکا واگذار کردند. آن‌چنان‌که وی می‌تواند در شرایط اضطراری مانند حملات سایبری به تأسیسات و زیرساخت‌ها، بخشی از ورودی‌های شبکه جهانی اینترنت به آمریکا را مسدود کند و به‌طور کلی با ابلاغ به سرویس‌دهنده‌های عمده اینترنت جهان - یاهو، گوگل و ... - می‌تواند سرویس‌دهی آن‌ها را متوقف نماید.^۲

مسئله کنترل بر اینترنت آن‌چنان اهمیت دارد که در دوره ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا دستور محدودسازی هواوی، شرکت چینی سازنده نسل بعدی اینترنت را داده است. جدا از بازداشت خانگی دختر مدیرعامل هواوی در کانادا^۳ و برکناری وزیر دفاع بریتانیا به دنبال آشکارشدن نتایج مذاکرات همکاری انگلیس با شرکت هواوی حتی گوگل محدودیت‌هایی در استفاده‌ی هواوی از سیستم‌عامل اندرویدش اعمال کرده است. هواوی، دومین شرکت بزرگ سازنده‌ی تلفن همراه در جهان است و اقدام گوگل به معنای آن است که محصولات جدید این شرکت امکان دسترسی به بعضی اپلیکیشن‌ها را نخواهند داشت.^۴

این محدودسازی به داخل آمریکا ختم نشده است. بلکه آمریکا تلاش می‌کند تا دیگر کشورها هم از امکانات زیرساختی هواوی استفاده نکنند. به‌طور مثال رادیو فردا به نقل از مجله فوربس اشاره می‌کند که هشدارهای آمریکا که می‌گوید گره زدن اینترنت نسل

-
1. Internet Kill Switch
 2. <https://b2n.ir/105498>
 3. <https://www.bbc.com/persian/world-46463145>
 4. <https://www.bbc.com/persian/world-48331645>

پنج کشورها با هوای بی معنی تحویل دادن کنترل اینترنت کشور به حزب کمونیست چین است نتوانسته موفقیت لازم را در چشم‌پوشی کشورها از هوای کسب کند.^۱ بی‌بی‌سی هم در گزارشی می‌نویسد که "رقبای چین ادعا می‌کنند که اگر هوای مرکز زیرساخت‌های بنیادی G5 کشورها باشد، می‌تواند از پیام‌هایی که در شبکه‌ها ردوبدل می‌شود جاسوسی کند یا شبکه‌های دیگر را از کار بیندازد و باعث مشکلات و اختلالات عظیمی شود.

حتی پیش از فرمان اخیر رئیس‌جمهوری آمریکا، ایالات متحده کشورهای هم‌پیمان غربی خود را به پرهیز از همکاری با این شرکت چینی فرا خوانده بود.

بیشتر این ماجرا مبتنی بر فعالیت گروه موسوم به "پنج چشم" است که از ۵ کشور آمریکا، انگلستان، کانادا، استرالیا و نیوزلند تشکیل شده که سازمان‌های جاسوسی آن‌ها ارتباط نزدیکی با هم دارند و حجم انبوهی از اطلاعات محرمانه را اغلب به صورت الکترونیکی با هم تبادل می‌کنند. مایک پومپئو، وزیر خارجه‌ی آمریکا هشدار داد: "اگر کشوری از این تجهیزات در بخش‌هایی از سیستم‌های اطلاعاتی حساس خود استفاده کند، ما نمی‌توانیم اطلاعات خود را با آن‌ها مبادله کنیم."^۲

امریکا تهدید کرده است که تبادل اطلاعات با هر یک از اعضای کشورهای این گروه که تجهیزات G5 هوای را نصب کنند، قطع خواهد کرد. آنچه دیده می‌شود این است که آمریکا نمی‌خواهد اجازه دهد تا کنترلش بر زیرساخت را از دست بدهد. چراکه کنترل زیرساخت، کنترل بر اطلاعات و شبکه را به دست می‌آورد و می‌تواند بر اطلاعات اشراف داشته باشد و شبکه را کنترل و مختل کند.

الف. دستگاه و تجهیزات^۳

هر چیزی که بتواند اینترنتی شود را دستگاه و تجهیزات می‌نامیم. دستگاه‌ها اینترنت را عینی و قابل دسترس برای کنشگر شبکه می‌کنند. رایانه‌ها، لب‌تاپ‌ها، موبایل‌ها و... از مهم‌ترین

1. <https://b2n.ir/323326>

2. <https://www.bbc.com/persian/magazine-48366032>

3. Device

دستگاه‌های اینترنتی شده هستند که دسترس عمومی دارند و مردم را از میدان حقیقی به فضای مجازی وارد می‌کنند. دستگاه‌ها با کمک یک سیستم عامل اینترنتی می‌شوند و دریچه‌ی ورود جامعه به فضای مجازی می‌شوند.

مطابق پیش‌بینی سیسکو، تعداد دستگاه‌های شبکه‌شده از ۲,۴ به ازای هر نفر در سال ۲۰۱۷ م به ۳,۶ به ازای هر نفر در سال ۲۰۲۲ افزایش خواهد یافت. (افزایش آن در منطقه غرب آسیا از ۱,۱ به ۱,۴ خواهد بود).^۱ دستگاه‌ها میزبان پلتفرم‌ها هستند و آن‌ها اجازه فعالیت به پلتفرم‌ها را می‌دهند. مثلاً اگر از آی‌پی‌های گوگل استفاده می‌کنید و سعی می‌کنید اپلیکیشن خود را روی هر نسخه‌ی غیر گوگلی آی‌اواس اجرا کنید، اپلیکیشن شما درست کار نمی‌کند. سازندگان ناچارند برای اینکه اپلیکیشن خود را به راحتی بسازند و کاری کنند که به خوبی کار کند و مخاطب داشته باشد قوانین و چارچوب فنی گوگل را رعایت کنند. آی‌پی‌های گوگل همه‌ی این‌ها را امکان‌پذیر می‌کند و جالب آن این است که اپلیکیشن شما حالا به دستگاهی وابسته است که دارای امتیاز گوگل اپلیکیشن است. (پارکر، ۱۳۹۷، ۱۹۷) در این صورت، گوگل می‌تواند علاوه بر ایجاد محیطی منظم‌تر برای کاربران و سازندگان، رقابت احتمالی را نیز کنترل کند. همین اعمال حاکمیت و کنترل در داخل ایران هم اتفاق افتاد. آنجا که تلگرام طلایی و هاتگرام از تلفن‌های همراه ایرانی‌ها حذف شدند. این دو پلتفرم، در واقع پوسته‌ای بودند بر روی پلتفرم تلگرام که در ایران توسط دولت فیلتر شده بود. به گفته دبیر شورای عالی مجازی این دو با مجوز قوه قضاییه و مرکز ملی فضای مجازی فعالیت داشتند و وظیفه‌شان این بوده تا تاریخ مشخصی خود را از تلگرام جدا کنند.^۲ اما آنچه اتفاق افتاد چیز دیگری بود. ناگهان گوگل با اعلام اینکه این دو پلتفرم جاسوسی هستند، آن‌ها را از دستگاه‌های متصل به اندروید حذف کرد.^۳ این در حالی بود که بیش از ۱۲۰ پسته تلگرام در جهان وجود دارد و گوگل فقط این دو پسته را که تعداد زیادی از کاربران ایرانی از آن استفاده می‌کردند را قطع کرد.

1. Cisco VNY-2019

2. yun.ir/5aqqxc

3. <https://www.bbc.com/persian/iran-48053794>

(فیروزآبادی؛ خراسان) دو پوسته‌ای که بارها مقامات رسمی ایران از آن حمایت کرده بودند.

در مورد دیگر دستگاه اپل با سیستم عامل آی‌اواس اعلام کرد که جلوی فعالیت تمام پلتفرم‌ها و اپ‌های ایرانی را در دستگاه خود می‌گیرد^۱ و در یک روز فعالیت تمام آن‌ها را در دستگاه خود متوقف کرد. کسب و کارهای مجوزدار حکومتی و بزرگی مانند اسنپ از ادامه فعالیت در آن بازماندند.

هم‌چنین مواجهه‌ای را گوگل با هوای کرد. آنجا که گوگل استفاده دستگاه‌های هوای از سیستم عامل گوگل را محدود کرد^۲. و هوای را برای موضوع زیرساخت GS زیر فشار قرار دهد.

البته این موضوع صرفاً برای ایران یا متوجه یک جنگ سیاسی نیست. اپل با سیستم عامل انحصاری آی‌اواس خود کنترل شدیدی را بر پلتفرم‌ها و اپ‌های دیگر اعمال می‌کند. آن‌چنان‌که مراقب است مالکیت بیشتر اپ‌ها را که از قبل از عرضه در بازار در آیفون بارگذاری شده بود را حفظ کند. اپ‌های پخش موسیقی، عکاسی، ضبط صدا و... در اختیار اپل است تا قدرت و کنترلش بر فضای مجازی را از دست ندهد. (پارکر، ۱۳۹۷، ۱۸۹) دوروف مؤسس تلگرام در بیانیه‌ای اعلام کرد پروژه دوساله ارز تلگرام را کنار می‌گذارد چراکه دادگاهی در امریکا فعالیت آن را محدود کرد. دوروف در این باره می‌نویسد که وقتی پای مسائل مالی و فناوری در میان باشد، هنوز به آمریکا وابسته‌ایم. ایالات متحده می‌تواند از کنترل خود روی دلار و سیستم مالی جهانی استفاده کند و هر بانک یا حساب بانکی را در دنیا مسدود کند. این کشور می‌تواند از نفوذش روی اپل و گوگل استفاده کند و هر اپلیکیشنی را از اپ‌استور و گوگل پلی حذف کند. قدرت و تسلط دستگاه‌ها بر پلتفرم‌ها این‌گونه خود را نشان می‌دهد.

1. yun.ir/gyaea3

2. <https://www.reuters.com/article/usa-china-huawei-tech/huawei-phones-lose-access-to-install-googles-apps-bloomberg-idUSL3N26N13Q>

ب. شبکه

پلتفرم‌ها

شبکه از حضور کنشگران شکل می‌گیرد که با یکدیگر ارتباط چندوجهی پیدا می‌کنند. مهم‌ترین عنصر شبکه‌ساز آنجایی است که کنشگران شبکه در آن مستقر می‌شوند و اثر شبکه‌ای خلق می‌شود. پلتفرم‌ها تلاش می‌کنند. آن چیزی که تا زیرساخت همگانی و مشارکتی ارائه می‌کند و جامعه‌ی شبکه‌ای را در قالب تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان به وجود آورد؛ پلتفرم نام دارد. پلتفرم‌ها با نظارت و کنترل روابط این دو گروه، حاکمیت خود را اعمال می‌کنند. دستگاه‌ها با میزبانی پلتفرم‌ها، امکان این را فراهم می‌کنند تا محتواها و خدمات به صورت اینترنتی قابل ارائه به مردم شوند.

کنشگران در قالب تولیدکننده محصول یا سرویس از یک سو و از سوی دیگر در قالب مصرف‌کننده‌ی آن با حضور در پلتفرم معاملات و تبادلات خود را آغاز می‌کنند و توسعه می‌دهند. دیجیتالی‌بودن آن‌ها سبب شده که موانع زمانی و مکانی از بین برود و با استفاده از ابزارهای نرم‌افزاری هوشمند و پیشرفته نتایج دلخواه مشتری و تولیدکننده را رقم بزنند. (پارکر، ۱۳۹۷، ۱۵) پلتفرم‌ها در واقع کسب و کارهایی هستند که مبنای آن میسر کردن معاملات ارزش‌آفرین بین تولیدکنندگان خارج از مالکان پلتفرم و مصرف‌کنندگان است. و به همین دلیل هر چه جهان بیشتر و بیشتر اینترنتی شود، جامعه شبکه‌ای‌تر می‌شود و این یعنی تعداد بیشتری از مردم در فضای مجازی حضور خواهند داشت و جامعه‌ی شبکه‌ای بزرگ‌تر و بزرگ‌تر می‌شود و کسب و کارهایی که در مهار قدرت شبکه‌های سکویی عملکرد بهتری دارند موفق‌تر خواهند بود. (پارکر، ۱۳۹۷، ۵)

به نظر می‌رسد پلتفرم‌ها در دو لایه فعال هستند. پلتفرم‌هایی که لایه‌ی خدماتی‌شان غلبه دارد و پلتفرم‌هایی که لایه‌ی محتوایی‌شان مسلط است. پلتفرم‌ها تمهیداتی فراهم کرده‌اند که به آن اقتصاد تقاضایی^۱ اطلاق می‌شود. آن‌ها به آسانی روی گوشی هوشمند قابل استفاده هستند و به مردم این امکان را داده‌اند که دارایی‌ها و داده‌های خود را

1. On-demand economy

جمع‌آوری نمایند و روش‌های جدیدی برای تهیه و استفاده از کالاها و خدماتشان فراهم سازند. بدین ترتیب این پلتفرم‌ها موانع کسب‌وکار در بین افراد را برداشته و با تغییر محیط شخصی و حرفه‌ای ثروت ایجاد می‌کنند. (شواب، ۳۷، ۱۳۹۶) تغییراتی که آن‌ها ایجاد می‌کنند چنان است که امروز بزرگ‌ترین شرکت خدمات تاکسیرانی اوبر، خودرو ندارد که نمونه‌ی ایرانی آن برندهای اسنپ و تپسی هستند. فیس‌بوک به‌عنوان رسانه عمومی بزرگ مطلبی تولید نمی‌کند. کمپانی ایربی‌ان‌بی به‌عنوان بزرگ‌ترین تأمین‌کننده اقامت مسافرتی، راساً املاک ندارد و... دیجی‌کالا واسط بین فروشندگان و مصرف‌کنندگان قرار می‌گیرد و کافه‌بازار به‌عنوان یک واسط بین کشگرانی که بر بستر اندروید هستند و اپ‌های اندرویدی قرار می‌گیرد. درحالی که خود مالکیتی در قبال آن‌ها ندارد.

پلتفرم‌های دیجیتالی هزینه‌های اصطکاک تراکنش‌ها را هنگامی که افراد و سازمان‌ها برای ارائه خدمات، دارایی‌های خود را به مشاع می‌گذارند، کاهش می‌دهند. هر تراکنش می‌تواند به اجزاء خیلی ظریف و ریز به‌تناسب سهم اقتصادی طرف‌های ذینفع تقسیم شود. علاوه بر این، موقع استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال، هزینه‌های حاشیه‌ای هر محصول اضافی، کالا و یا خدمات به سمت صفر میل می‌کند که به پیچیدگی دراماتیک کسب‌وکار در جامعه می‌انجامد.

همه این پلتفرم‌ها در چند چیز مشترک هستند:

۱. حذف واسطه‌ها: پلتفرم‌ها این امکان را می‌سازند تا دارایی‌های کمتر استفاده‌شده که قبلاً فکری برای استفاده از آن نبود (نظیر صندلی اضافه خودروی شخصی، تخت اضافی، تعمیرکاری منزل و...) تحت عنوان عرضه به مشاع گذاشته شود.
۲. هنجارسازها: پلتفرم‌ها در حال حاضر برای ما هنجارسازی می‌کنند و هنجارها تبدیل به ارزش می‌شوند. قوانین پلتفرم حاکم بر محتواست. مثلاً اینستاگرام اجازه نمی‌دهد که هر عکس، هشتک و توضیحی در صفحات شخصی افراد منتشر شود. در دی سال ۹۸ شمسی هر عکسی از حاج قاسم سلیمانی را اینستا از صفحات افراد حذف کرد و در تکرار آن حتی اکانت‌های افراد را یا تعلیق کرد و یا آن‌ها را بست. فیس‌بوک در سند سیاست‌گذارش اعلام

کرده که مطالب حاوی خشونت را راسا حذف می‌کند و مبتنی بر آن و با تفسیرش از مفهوم خشونت مطالب را حذف می‌کند. جدیداً در بیانیه فیس‌بوک آمده است که دادگاه عالی‌ای را راسا ایجاد می‌کند تا محتوایی که از نظر او لازمست حذف شوند را حذف کند.^۱ پلتفرم‌ها هستند که قوانین تولید محتوا را مشخص می‌کنند. آن‌ها با شاخص‌گذاری، محتوایی را ضریب می‌دهند و در اختیار جامعه‌ی بیشتری از پلتفرم خود قرار می‌دهند. صفحه جستجوی اینستاگرام نمونه‌ای از این عرضه محتوای دیگران در فضای شخصی است.

۳. انباشت داده: داده‌ها را نفت جدید می‌دانند^۲ که آینده قدرت را می‌سازد. چراکه هر نهادی با دسترسی به اطلاعات بزرگ، قادر مطلق است. تجمیع داده‌های زیاد، این امکان را برای اپراتورهای روی خطی بزرگ فراهم می‌کند که اطلاعاتی بیشتر از آنچه تأمین شده بود را توسط کاربران (به‌طور ضمنی و یا صریح) استخراج نمایند. از طریق تحلیل داده‌های کلان و تکنیک‌های استنتاج از آن، عرصه‌های جدیدی باز می‌شود تا خدمات خصوصی‌تر و سفارشی‌تر در اختیار کاربر و یا مشتری قرار گیرد. محصولات توانمندشده توسط داده‌ها سبب بهبود بهره‌وری دارایی می‌شود. تحلیل داده‌ها که از سنسورهای تعبیه‌شده در دارایی‌ها دریافت می‌شوند پلتفرم‌ها را قادر می‌سازد که با نظارت دائم و اعمال اصول نگهداری پویا، عمر بهره‌برداری آن را بیشینه کند.

دبیر شورای عالی مجازی ایران می‌گوید که الآن برای پیدا کردن اطلاعات از گوگل استفاده می‌کنیم. این درست نیست که اطلاعات موردنظر ما از طریق آمریکا وارد ایران بشود. در حوزه پیام‌رسان بدون اغراق بالای ۹۰ درصد محتوای پیام‌رسان‌ها در کشور روی پلتفرم‌های خارجی است. تعداد کاربران پیام‌رسان‌های داخلی از ۱۰ درصد بیشتر است اما از لحاظ حجم کارکرد بیش از ۹۰ درصد روی پیام‌رسان‌های خارجی هستیم. (فیروزآبادی؛ خراسان) پلتفرم‌ها داده‌ها را جمع می‌کنند. کنش و واکنش کاربران را شناسایی می‌کنند و مبتنی بر آن واکنش می‌سازند یا محصول تعریف می‌کنند. آن‌ها با این حجم داده‌ی

1. <https://www.nbcnews.com/tech/tech-news/facebook-names-20-people-its-supreme-court-content-moderation-n1201181>

2. <https://www.nytimes.com/2019/06/25/opinion/trump-china-iran.html>

جمع شده شناخت خوبی از جامعه‌ی شبکه‌ای دارند و با آن شناخت اقداماتی می‌کنند که شبکه درون این پلتفرم باقی بماند.

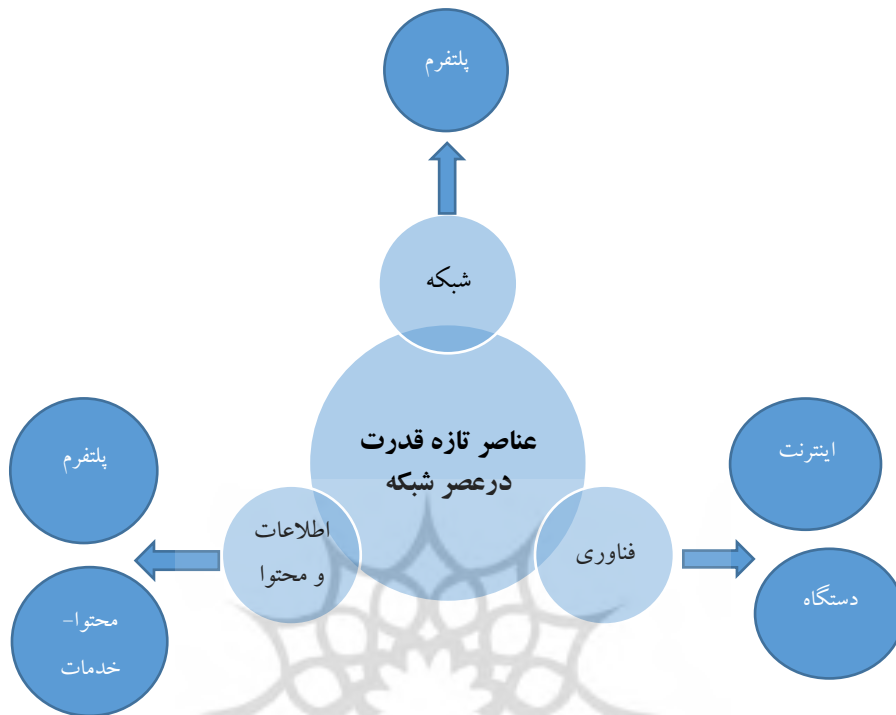
۴. شبکه‌ساز: پلتفرم‌ها با استفاده از منابعی ارزش‌آفرینی می‌کنند که مالک آن‌ها نیستند و بر آن‌ها کنترلی ندارند. از طرف دیگر پلتفرم‌ها خود واسطی هستند که کنشگران شبکه را در خود جای می‌دهند. ترکیب این دو عامل به وجود آمدن مفهومی به نام «تأثیر شبکه‌ای» است. تأثیر شبکه در واقع به تأثیر تعداد کاربران سکو بر ارزش ایجاد شده برای هر کاربر گفته می‌شود. منظور از تأثیرات شبکه‌ای توانایی اجتماع سکویی بزرگ در تولید ارزش قابل ملاحظه برای کاربران سکو است. (پارکر، ۱۳۹۷، ۲۹)

در دنیای شبکه‌ها، توانایی به کار گرفتن کنترل بر دیگران به دو سازوکار اصلی وابسته است:

۱. توانایی ساخت شبکه تا حدی که اهداف تعیین شده برای شبکه را محقق سازد.
۲. توانایی اتصال و اطمینان از همکاری شبکه‌های مختلف از طریق به اشتراک‌سپاری اهداف مشترک و ادغام منابع؛ آن‌هم تا زمانی که رقابت با سایر شبکه‌ها را به وسیله‌ی تنظیم همکاری راهبردی از خود دفع کند. (کاستلز، ۱۳۹۳، ۱۲۳) و این دو مؤلفه را می‌توان در پلتفرم مشاهده کرد. در واقع پلتفرم‌ها سازوکار کنترل و اعمال قدرت در عصر شبکه هستند.

ج. محتوا-خدمت

و در نهایت این محتوا-خدمات هستند که خود را درون پلتفرم‌ها عرضه می‌کنند. محتوا-خدمات در چارچوب قوانین بالادستی پلتفرم‌ها و حتی دستگاه‌ها می‌توانند تولید مطلب و محتوا کنند و درون محیط قدرت آن‌ها طبعاً می‌توانند شبکه‌سازی کنند. لذا محتوا-خدمات پایین‌ترین سطح اعمال قدرت را در اختیار خواهد داشت.



جمع‌بندی

حاکمیت و قدرت با اعمال مجموعه مقرراتی که تعیین می‌کند چه کسی، چه گونه در زیست‌بوم مشارکت داشته باشد، اراده‌ی خود را پیش می‌برد. در عصر شبکه، با ایجاد روابط فرامکانی و بی‌زمانی بر بستر اینترنت کنشگر شبکه خلق می‌شود. کنشگری که خود را در قید حاکمیت دولت ملی نمی‌بیند چراکه روابط و محتوایش در کنترل او نیست. بستر اتفاقات این جامعه‌ی شبکه‌ای بر محور سه عنصر زیرساخت، دستگاه-تجهیزات و پلتفرم است. زیرساخت که پایه‌ی شکل‌گیری این فضا بود. دستگاه و تجهیزات که عامل اتصال زیرساخت به کنشگران هستند و پلتفرم که بستر اتصال کنشگران شبکه به یکدیگر را فراهم می‌سازد. پلتفرم‌ها همانند یک جغرافیا عمل می‌کنند. آن‌ها ضمن اینکه کنشگران شبکه را درون خود جای می‌دهند، به جامعه‌ی شبکه‌ای روح می‌دمند. چراکه دو عنصر قدرتمندساز شبکه یعنی ارتباط و محتوا درون آن و تحت تسلط او اتفاق می‌افتد.

تا پیش‌ازاین، عمده قدرت در اختیار دولت بود. با بالارفتن ضریب نفوذ اینترنت، ارتباطات اجتماعی و محتواها و خدمات از پلتفرم‌های دیجیتال گذر می‌کنند و خیلی از انحصارات دولت شکسته شده است. شرایط کاربران را قادر ساخته است که با استفاده از هماهنگ‌کننده‌های میانی بدیع که برای تسهیل تعاملات ظهور کرده‌اند، به نحوی در نظام اینترنتی هم‌تا به هم‌تا تعامل کنند. در این جامعه‌ی شبکه‌ای با به‌وجود آمدن روابط شبکه‌ای شده بر بستر اینترنت، دولت تنها به یک گره^۱ هرچند مهم از شبکه خاص تبدیل می‌شود و رشد قدرت شهروندان و تشدید انشعاب و قطب‌گرایی جمعیت، موجب تغییر سیستم‌های سیاسی و تضعیف دولت در اداره امور می‌شود.

شبکه‌ها توسط فرا برنامه‌ای از ارزش‌ها که دلالت بر تسلط ساختاری دارند کنترل می‌شوند و پلتفرم‌ها تلاش می‌کنند تا گفتمان‌ها را زیر نظام ارزشی خود اجازه فعالیت دهند. راه‌گزین‌ها^۲ ی پلتفرم‌ها، مسئول حراست از ارزش‌های شبکه هستند.

با مروری بر یافته‌ها درمی‌یابیم که عناصر قدرت‌ساز عصر شبکه به‌صورت عمودی قدرتشان توزیع می‌شود. می‌توان عصر جدید را همچون محیط یک اقیانوس دید که کشتی قدرت را زیرساخت در اختیار دارد. پلتفرم‌ها مانند کانتینرهایی هستند که محتواها-سرویس‌ها و افراد را طبق ضوابط و قواعدی درون خود جای می‌دهند. در عین استقلالی که این چند مؤلفه دارند، این رابطه یک رابطه سلطه و وابسته به یکدیگر است و محتوا در پایین‌ترین بخش آن قرار دارد. در واقع قدرت به حالت عمودی در حال توزیع است. زیرساخت مسلط بر همه، پلتفرم بعداز آن و محتوا-سرویس‌ها در امتداد بعداز آن قرار می‌گیرند.

1. node
2. Switcher

منابع

- اسکندری، محمدحسین، ۱۳۸۱، کالبدشناسی مفهوم قدرت، فصلنامه حوزه و دانشگاه، شماره ۳۰. پارکر، جفری (۱۳۹۷)، *انقلاب شبکه‌های اجتماعی*، ترجمه روستا، احمد، تهران: سیتِه.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۹۳). *جغرافیای سیاسی فضای مجازی*، تهران، سمت
- خلیلی پور، علی و نورعلی وند، یاسر. (۱۳۹۱). *تهدیدات سایبری و تأثیر آن بر امنیت ملی*، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پانزدهم، شماره ۲.
- ذهارنا، روندا. (۱۳۹۳). *دیپلماسی عمومی و ارتباطات استراتژیک آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر*، ترجمه ذوالفقاری، مهدی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- شواب، کلاوس (۱۳۹۶)، *انقلاب صنعتی چهارم*، ترجمه‌شانی، مرتضی تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- فودازی، مریم. (۱۳۹۵). *جامعه شبکه‌ای و آینده قدرت در علوم اجتماعی*، سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی.
- فیروزآبادی، ابوالحسن. (۱۳۹۸). *روزنامه خراسان*، شنبه ۲۲ تیر.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). *عصر اطلاعات ظهور جامعه شبکه‌ای*، ترجمه پایا، علی، تهران: انتشارات طرح نو.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۹۳)، *قدرت ارتباطات*، ترجمه بصیریان، حسین، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۹۶). *شبکه‌های خشم و امید: جنبش‌های اجتماعی در عصر اینترنت*، ترجمه قلی پور، مجتبی، تهران: نشر مرکز.
- محسنی علی، جاودانی مقدم مهدی، حاجی محسن. (۱۳۹۷). *تحول پارادایمی مفهوم قدرت و امنیت در عصر جهانی شدن و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. ۸ (۳): ۹۹-۱۲۶.

استناد به این مقاله: خجسته باقرزاده، حسن، خجسته باقرزاده، کمیل. (۱۴۰۰). تحول مؤلفه‌های قدرت در عصر شبکه، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، ۷(۲۸)، ۴۵-۷۱. DOI: 10.22054/NMS.2021.56396.1074



New Media Studies is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License..